هو العلیم

فنای اصحاب سیدالشهداء علیه السلام در آن حضرت

آیة اللَه حاج سیدمحمدمحسن حسینی طهرانی

شرح حدیث عنوان بصری جلسه ٣٦

حضرت آیة اللَه حاج سیدمحمدمحسن حسینی طهرانی در شرح روایت عنوان بصری در رابطه با فنای اصحاب سیدالشهداء علیه السلام در آن حضرت می فرمایند :

یک روز در کربلا در خدمت مرحوم آقاى حدّاد- رضوان اللَه علیه- بودیم، مرحوم والد هم بودند، والد بزرگ ما، جّد مادرى ما، مرحوم حاج آقا معین شیرازى- رحمة اللَه علیه- ایشان هم حضور داشتند. یک مطلبى را ایشان از آقاى حدّاد سؤال کردند ولکن مرحوم آقا جواب دادند. ایشان سؤال کردند که:

 در زیارتی که از امام صادق علیه السلام راجع به شهداى کربلا وارد شده است ( زیارت سیدالشهداء در روز عرفه) ، حضرت می‌فرمایند :" السّلام علیکم یا اولیاء اللَه و احبائه، السّلام علیکم یا اصفیاء اللَه و اودائه، السّلام علیکم ...،" بعد به دنبال آن مى‌فرمایند: "بابى انتم وامّى" ؛ پدر و مادر من فداى شما باد!

 چطور ممکن است امام علیه ‌السّلام بیاید در قبال مزار مطهّر آنها و بگوید: "بابى انتم وامّى" ؛ این کلام دلالت بر این مى ‌کند که امام علیه ‌السّلام در مقام تعلیم به ما می باشند ، که وقتی ما در کنار آن مقامات مى‌ایستیم همین مطلب را بگوئیم، والّا چگونه امام زمان علیه‌ السّلام بیاید در کنار آنها بایستد و بگوید: "بابى انتم و امّى؟!"

 مرحوم آقا در جواب این مطلب فرمودند:" نخیر! هیچ اشکالى ندارد، منافانى ندارد که خود امام علیه ‌السّلام بیاید و در اینجا این مطلب را بفرماید ؛ و جهتش هم این است که این ارواح مطهّره ‌اى که الآن در اینجا مدفون هستند، اینها الآن دیگر جنبه استقلالیت ندارند. اینها وقتى که در روز عاشورا آمدند زیر خیمه امام حسین و در تحت ولایت آن حضرت قرار گرفتند ، دیگر امام حسین شدند. نه اینکه هر کدام از اینها یک امام حسین بشود، امام حسین یکیست، دو تا امام حسین ما نداریم، ولى اینها دیگر آن جنبه غیریت با سیدالشّهداء را از دست دادند و فانى در ذات و ولایت آن حضرت شدند.

 پس الآن دیگر در واقع حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه ‌اى وجود ندارد، الآن دیگر بُریر وعابِسى وجود ندارد، الآن حضرت اباالفضل و حضرت على اکبرى وجود ندارد. الآن سیدالشّهداء هست و بس. الآن امام حسین هست و بس، دیگر کسى نیست! و وقتى که در مقابل این شهدا مى ‌ایستیم و مى ‌گوئیم:" بابى انتم وامى" کانَّ داریم به سیدالشّهداء مى‌ گوئیم:" بابى انتم‌ وامّى" ، نه اینکه آنها را جداى از آن حضرت مدّ نظر قرار بدهیم، آنگاه خطاب کنیم. اگر جدا باشد که معنا ندارد امام زمان علیه ‌السّلام حتّى در مقام تعارف، واظهار امتنان و تشکر از این افراد این کلمات را بیان بفرمایند؛ چون آن چرا که الآن دارد به این شهدا مى‌رسد از دریچه خود امام زمان به آنها مى ‌رسد. الآن آن فیوضاتى که دارد به حبیب مى‌ رسد از طرف امام زمان به او مى ‌رسد. ان وقت چطورمیشود امام زمان علیه السلام بیاید و بگوید: " بابى انت و امّى!"

ولذا در جریان روز عاشورا یک جنبه و حالت وحدتى بین حضرت سیدالشّهداء علیه ‌السّلام با اصحاب حکم فرما بود، و اصلًا فرقى بین آنها از نقطه نظر بروز و ظهور افعال و اطوار وجود نداشت؛ و همان نفس ولایت حضرت، خیمه خود را بر شراشر وجود همه آنها افکنده بود، به حیثى که هیچ اراده و خواستى براى آنها سواى اراده و مشیت مولاى خود وجود نداشت.

و لذا پیشنهاد ابوثمامة به سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا دچار اشکال ونقد قرار نمی گیرد چراکه فقط یک خواست و اراده در اینجا مى‌ ماند و آن اراده و مشیت حضرت است و بس! و اینکه جناب أبوثمامه صیداوى پیشنهاد کرده است که با حضرت نماز ظهر را بجاى آورد در واقع خود آن حضرت این مطلب را خواسته و طلب کرده، منتهى از زبان و ظهور این صحابى جلیل القدر و با معرفتش ظاهر شده است، و او در اینجا حکم زبان ناطق امام علیه‌السّلام را پیدا نموده است.[[1]](#footnote-1)

1. شرح حدیث عنوان بصری جلسه ٣٦. [↑](#footnote-ref-1)